

# مقام معظم رسمی:

بعثت؛ برانگیخته شدن پیامبر و برانگیختن و حرکت دادن مردم به سمت نیک بختی در مبعث، در یک چنین روزی، قلب مقدس پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) مخزن گران‌بها ترین امانت الهی شد یعنی وحی الهی، و سنگین‌ترین مسئولیت عالم وجود بر دوشهای پُرتوان آن بزرگوار نهاده شد که مسئولیت هدایت بشر تا آخر عالم است. البته این بعثت، هدیه‌ی بزرگی هم بود به همه‌ی بشریت.

۱۳۹۹/۱۲/۲۱

بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی

«

نشریه دغدغه

بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی

سال اول / شماره دهم

تاریخ انتشار ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

# بسم الله الرحمن الرحيم

امتیاز نشریه: بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی

عنوان: دغدغه

زمینه انتشار: سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

ترتیب انتشار: گاہنامه

شماره انتشار: ۱۳۹۹/۱۲/۳۰

صاحب انتشار: بسیج دانشجویی دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر مسئول: حامد نقی زاده

سردبیران: سپیده قهرمان پور، محمدحسین جلیلی

کارشناس نشریات: مهندس سعید بوداقی

طراح جلد و صفحه آرایی: لیلا شمشیری

شماره و تاریخ مجوز: ۳۶۸۴ / ۰۸ / ۲۳۵ | ۹۹ / م / ف

هیئت تحریریه: سیده لیلا ذاکری - زینب کاظمی -

لیلا شمشیری - سپیده قهرمان پور - مریم دوستی

فهرست

سخن سردبیر

هویت راه پر فروغ	صفحه ۱
سفر به سرزمین آسمانی ها	صفحه ۳
نبرد با مرگ	صفحه ۱۰
کینه از آیت، و اهمه از دیالمه!	صفحه ۱۱
معرفی کتاب	صفحه ۱۴
باز خوانی یک سخنرانی مهم؛ آیت الله	صفحه ۱۵
حنیفانامه	صفحه ۱۷

کانال های ارتباطی:

ایнстاگرام

@uma\_daghdagheh

ربات تلگرامی (آرشیو شماره های قبلی نشریه)

@umadaghdagheh\_bot



يَا مَقْلِبُ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا مَدْبِرَ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ، يَا مَحْوُلَ الْحَوْلِ وَالْاحْوَالِ،  
حَوْلَ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ.

## ..... سخن سردبیر .....

### سپیده قهرمان پور

سلام. به نمایندگی از تیم رسانه و هیئت تحریریه نشریه دانشجویی دغدغه، عید باستانی نوروز را به تمامی همراهان و مخاطبان نشریه دغدغه تبریک عرض می کنم و آرزوی بهروزی و سعادت برای تک تک شما عزیزان دارم.

بهار طبیعت و سال جدید هم از راه رسید. سالی که امیدواریم پایان بخش رنج های سال نود و نه باشد. سال نود و نه، سال عجیب و غریبی بود، سالی که مارا از دانشگاه عزیzman، دوستان، همکلاسی ها و اساتید گرانقدorman دور کرد و فرصت با هم بودنمان را از ما گرفت. اما در کنار همه این ها، این ویروس منحوس با آمدنش باعث شد تا انسان ها کمی با خود خلوت کنند و به فکر فرورونده نیاز به منجی را با تمام وجود حس کنند.

عید امسال، متبرک شده با ولادت منجی عالم بشریت (عج) که منتظر ماست، منتظر ما که بلند شویم، شروع کنیم و زمینه ساز ظهور وجود پربر کتش شویم. عید واقعی ماروز ظهور اوست. باید به تکاپوییقتیم و تلاش کنیم و دست به دست هم دهیم تا جهانی بسازیم شایسته ای وجود با عظمتش، باید دنیا را آماده کنیم و گلستانی بسازیم تا گل وجودش بیاید. دعا کنیم، دعا کنیم، دعا کنیم، دعا کنیم، دست به کار شویم و گردنا میمی دی ورخوت و سستی را از جهان پاک کنیم. از ما حرکت و از خدای مهربان هم برکت.

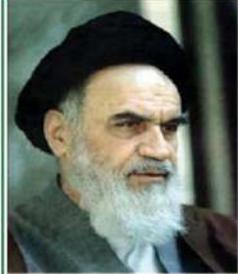
خب چه کنیم؟ خودشناسی، خودسازی، دگرسازی، کمک به یکدیگر برای رشد خود و جامعه و انتخاب درست در همه زمینه ها و همدلی و امید آفرینی... خلاصه که کار زیاد است و انجام دهنده کم، برای نجات دنیا باید کاری کرد. نمی شود که همینطور نشست و دست روی دست گذاشت و غردد و از عالم آدم ناراحت بود و ناامیدی و افسردگی را مثل ویروسی واگیر دار در میان آدم ها پخش کرد. دنیا به من و تو احتیاج دارد، هرجا که هستی و هر تخصصی که داری، باید آماده شوی جهان نیازمند توست، این «باید» ها که می گوییم، واقعی است. دیگر زمان انفعال نیست، باید حرکت کرد.

بهار فصل آغاز و شکوفایی است، طبیعت دارد جان دوباره می گیرد و از خواب زمستانی بیدار می شود. شاید این زمان بهترین فرصت برای حرکت و شکوفایی نیروهای بالقوه است.

بسم الله  
بیا بید بایکدیگر دنیارانجات دهیم....



چه غافلند دنیا پرستان و بی خیران که ارزش شهادت را در صحیفه های طبیعت جستجو می کنند، وصف آن را در سروده ها و حماسه [ها] و شعرها می جویند و در کشف آن از هنر تخیل و کتاب تعلق مدد می خواهند و حاشا که حل این معما جز به عشق میسر نگردد.

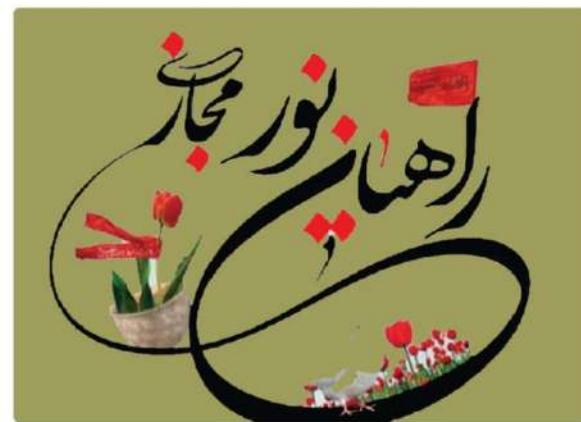


## نویسنده: زینب گاظمی

## هویت راه پر فروغ

فعالیت خود را به صورت رسمی آغاز کرد. این فعالیت بیشتر در تعطیلات نوروز و تابستان، گروههای مردمی را برای بازدید از منطقه های جنگی به مناطق مرزی استان خوزستان به ویژه منطقه شلمچه اعزام می کند. سفر مقام معظم رهبری در تاریخ ۲۸/۱/۸ به یادمان شلمچه و حضور در میان زائران راهیان نور باعث شد توجه ویژه ای به موضوع راهیان نور در نیروهای مسلح بوجود آمد، همچنین استقبال مردم از راهیان نور نیز گسترده تر شد.

بطوری که در تاریخ ۷۸/۱۲/۱۲ دستورالعملی مبنی بر تشکیل ستاد هماهنگی راهیان نور با مسئولیت و ریاست بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس از سوی ستاد کل نیروهای مسلح ابلاغ گردید در این دستور العمل به ۲۱ محل جهت بازدید کاروان های راهیان نور اشاره شده است. در سال ۱۳۸۴ و با ابلاغ رهبری، ستاد مرکزی راهیان نور در قالب اساسنامه بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس ماموریت خود را از سرگرفت. به همین منظور ستاد مرکزی راهیان نور با هدف ساماندهی به وضعیت راهیان نور در سال ۱۳۸۳ ذیل ساختار بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس تعریف و در سال ۱۳۸۴ ستاد مرکزی راهیان نور تأسیس شد. حقیقت آن است که این جبهه های ایران دست کمی از کربلای حسین (ع) نداشت. چرا که هر دو در یک نقطه مشترک بودند و آن هم مظلومیت و تنها یابود که غریبانه و بیگناه مورد هجوم دشمن قرار گرفتند. خاطرات رزمندگان و جان فشنای آن ها مانند روشهای امام حسین (ع) است که هرگز کهنه نمی شود. این عرصه فرهنگی همیشه نشاط دارد چون وصل به خون ثارالله است. یعنی این جریان فرهنگی برای همه حرف و مطلب دارد همانطور که رهبر معظم انقلاب فرمود: "این جنگ یک گنج است." پس همیشه نو است و طراوت دارد. برای همه حرف دارد در هر سن و عصر و با هر فکری.



برگ های تقویم را که ورق می زنی به یک روز تاریخی می رسمی؛ هر سال که می گذرد یک بهار بیشتر از رشدات های رزمندگان دفاع مقدس فاصله می گیریم اما آن چه که در این بین می ماند بزرگ داشت یاد و خاطره این عزیزان است.

حضرت آیت الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی، با اشاره به کار بزرگ «شهدا» در هشت سال جنگ تحمیلی فرموده اند: «این کار بزرگ را باید تبیین کرد.» و نکته‌ی اصلی و کلیدی در اردوهای راهیان نور، ایجاد زمینه برای «زیارت با معرفت» است. با پایان یافتن دفاع مقدس، کاروان هایی از گروه های مردمی و به صورت خود جوش متشکل از رزمندگان شکل گرفت که در ایامی خاص نظیر عید نوروز، ایام محروم و ... کاروان هایی را برای بازدید از مناطق جنگی شکل می دادند. محل هایی نظیر یادمان های فعلی شلمچه، ارونده کنار و فتحالمبین مورد بازدید این کاروان ها قرار می گرفت. این روند تا سال ۱۳۷۶ ادامه پیدا کرد. پس از سال ۱۳۷۶ بسیج دانشجویی از ظرفیت های اردوهای راهیان نور استفاده کرد و اعزام کاروان های دانشجویی شروع شد. سپس بسیج محلات نیز شروع به اعزام کاروان هایی کرد. کاروان راهیان نور از سال ۷۶





خون شهیدان تضمین کننده استقلال ملت و سربلندی اسلام است. نظام جمهوری اسلامی امروز امانت شهیدان است و همه باید بدانند که مبارزه با جمهوری اسلام تمام نشده است. خون شهدای انقلاب اسلامی به هدر نرفته است و آنها بودند که به قیمت خون خود، آبروی اسلام، قرآن پیامبر و استقلال مملکت را حفظ کردند و حرکتی که آنها در این انقلاب از خود نشان دادند در طول تاریخ بی نظیر بوده است

سپاه زندگاند

## \*\*\* عطر حضور شهدا در مراکز علمی و دانشگاهی \*\*\*

از مادر بی قبر خود آموختند این همه قبر بی نشان بسازند تا بزرگترین نشان ایستادگی و مقاومت مردم این سرزمین را شکل دهند. حال که سال ها از آن روزگار می گذرد؛ این سوال در ذهن ما خودنمایی می کند که تا چه اندازه توانسته ایم سرگذشت این رشادت ها را به نسل هایی که آن دوران را در کنکره اند؛ منتقل کنیم؟ معرفی یادمان های دفاع مقدس از زبان سردار ادبی دبیر ستاد مرکزی راهیان نور پهنه جغرافیایی راهیان نور از ارونده یادمان عملیات والفجر ۸ تا لاویزان در مهران و عملیات محروم در دهلران است. هم اکنون ۵۷ یادمان در کشور میزبان زائران خواهند بود که ۲۷ یادمان در جبهه جنوب قرار دارد. برای خدمت رسانی به زائران شبکه ۴۰ هزار نفری خادمان راهیان نور، آمادگی خدمت رسانی را دارند.

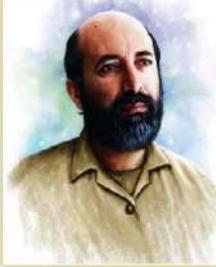


می کرد و بس. هیچ کس به این چنین دلهار امجدوب خود فکر مقام و درجه نبود. مال و کرده است. در این سرزمین اموال و فرزندان هم در کسی مقدس آرزوهای زیادی در راهیان نور پهنه جغرافیایی گویی احساس می کردی اینجا آرزوهای مادرانی که اشکشان هر کس فقط به ادای وظیفه فکر

در شیارهای یادمان فتح المبین؛ در تنها یی شلمچه؛ در خلوت شهرهانی و در غربت طلائیه و ارتفاعات قلاویزان و پاوه و کردستان هر کدام دنیایی از فرهنگ و ادب نهفته است... بر دوش مسئولان فرهنگی کشورمان باری عظیم قرار دارد. باید راهیان نور را توسعه داد. اردوهای سالانه راهیان نور که خوشبختانه چند سالی به راه افتاده برگ زرینی است که می تواند از خود گذشتگی و قداست زمینیان را به رخ افلکیان بکشد. در آن روزهای حماسه و گذشت؛

هر کس در راه رزیل





آنان که به من بدی کردند، مرا هشیار کردند آنان که از من انتقاد کردند، به من خوبی کردند، به من مهر و فوا و دوستی آموختند بی اعتنایی کردند، به من صبر و تحمل آموختند آنان که به من خوبی کردند، به من مهر و فوا و دوستی آموختند پس خدایا : به همه‌ی آنانی که باعث تعالی دنیوی واخروی من شدند ، خیر و نیکی دنیا و آخرت عطا بفرما . خدایا مرا به حاطر گناهانی که در طول روز با هزاران قدرت عقل نوحیه‌شان می‌کنم بخشن! خدایا، هنگامی که شبیور جنگ طبیعت انداز می‌شود، قلب من شکفته شده به هیجان در می‌آید زیرا جنگ مرد را از نامرد مشخص می‌کند. می‌گویند تقدوا از تخصص لازم تر است، آنرا می‌پذیرم، اما می‌کویم: آنکس که تحصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی تقواست. شهید دکتر چمران لازم تر است، آنرا می‌پذیرم، اما می‌کویم: آنکس که تحصص ندارد و کاری را می‌پذیرد، بی تقواست.

## نویسنده: لیلا شمشیری

سیدالشهدا مقاومت، راهیان جهاد فی سبیل الله می‌شدند نور را با همان چفیه و لباس برای دفاع از انقلاب، انقلابی که خاکی اش، با همان اشک‌ها اکنون منتظر قدم‌های من و وزمزمه‌های پنهانی اش، توست. آرام آرام که پیش شما بودم. اما حالا که تقدير و با همان سبک زندگی می‌روی، حسینیه حاج همت شهدا بی‌اش ادامه خواهیم را در میانه پادگان می‌بینی و حوضی کوچک که رو بروی داد... رفیق چشمان‌ت را بند و با حسینیه توجه همه را به خود من همسفر شو، همسفر تا جلب می‌کند و به یاد می‌آوری سرزمینی از جنس نور روزگاری در این حوض چه سرزمینی از جنس آسمان عاشقانی و ضوگرفته‌اند. بعد از شام مسئول کاروان اعلام به انتهای اتوبان خرم‌آباد اندیمشک که می‌رسی با عبور می‌کند که آمده شوید برای از روی پل، گویا به دروازه‌ای اعزام به گردان تخریب. کردیم، دروازه‌ورود به و چه حال خوشی دارد این سرزمین شهدا. سمت راست حسینیه، قبرهای خالی پشت جاده مسیری است که تورابه حسینیه رازهایی زیادی در بالای ریل راه آهن می‌برد. دل دارند، به یاد آن عارفان مسیری که گره خورده است الهی رکعتی نماز می‌خوانی. با تصاویر چشم نوازی از آری دوکوهه یعنی متولسان قهرمانان لشکر ۲۷ محمد و همت، یعنی دستواره و رسول الله (صلی الله علیه و دین شعاری، یعنی عشق به آله). پادگان سردار حاج احمد شهادت. تازه‌ای نجامی فهمی متولسان، فرمانده‌ای که راز چشم‌های حمامه‌ساز هنوز هم همه چشم انتظار محسن حججی چه بوده است. آمدنش هستیم. هر کس که اهل راهیان نور از آن بالا نگاهی به فضای باشد، استادان خوبی پیدامی پادگان بینداز، ساختمان‌های کند. ای شهداء! مرا به شاگردی چند طبقه سازمانی که روزی می‌پذیرید؟! ای تخریبچی رزم‌مندگان در آنها محبی کمک کن و برای پاکسازی

## سفر به سرزمین آسمانی‌ها

«هیچ شنیده‌ای که مرغی اسیر  
قفس راهم بردارد و با خود ببرد؟»

**دوکوه**



ای شهدا، مهمان دلم باشید! هر سال این روزها من مهمان شما بودم. اما حالا که تقدير و با همان دل، باشید، میزبان شماست دلم. در دل همین شهر؛ گوشه‌ی همین اتاق، حال‌هایمین جا سرزمینی از جنس آسمان عاشقانی و ضوگرفته‌اند. بعد از شام مسئول کاروان اعلام به انتهای اتوبان خرم‌آباد اندیمشک که می‌رسی با عبور می‌کند که آمده شوید برای از روی پل، گویا به دروازه‌ای اعزام به گردان تخریب. پای رفتمنان را و چه خوش لغو شده است، مقاومت در روزهایی فرهنگی همچنان روزگاری محل حضور بچه‌های گفته است سید‌شہیدان اهل جبهه‌ی فرهنگی همچنان ادامه دارد و مابه تأسی از آری ما از یک دروازه عبور دلاور و با اخلاص تخریب بود

خواستم با حرفهایم، راه شهدا را ادامه دهم، اما دیدم راه شهیدارفتني است نه گفتني.... این زندان دنیا، این گناهان بی‌شماره‌ان، آخرلنگ می‌کند پای رفتمنان را و چه خوش لغو شده است، مقاومت در از روی راهیان نور امسال از گذشته می‌رسی و مسافر حسینیه گردان تخریب گفته است سید‌شہیدان اهل جبهه‌ی فرهنگی همچنان ادامه دارد و مابه تأسی از آری ما از یک دروازه عبور دلاور و با اخلاص تخریب بود

## دوکوهه کلام ای خامع شق



## آخرین جمله شهید بهشتی قبل از شهادت:



سخنرانی شهید بهشتی که به انسجام رسید، جون ایشان عادت داشت وقتی صحبتش به حایی حساس از بحث می‌رسید و به اصطلاح معروف گرم می‌شد، مکنی می‌کرد و به شنوندگان دور نا دور جلسه نگاهی می‌کرد که چقدر با صحبت او همراه هستند و بعد بحث را ادامه می‌داد. در این میان، یک دفعه به جمعیت گفت: بجهه‌ها بود که بجهه‌ها بیشتر می‌آید. آیا شما هم این بورا استیشمام می‌کنید؟ پس از این حمله بود که دیگر ما نفهمیدیم قضیه چه شد. این قدر انفجار شدید و سریع بود که هیچ کس از بازماندگان این فاجعه از لحظه انفجار جیزی به یاد ندارند، ولی این نکته را می‌دانم که خیلی جهوده ایشان بشناس و نورانی نشده بود. نکته مهم و باور نکردنی این بود که من در زیر آوار که هیچ امیدی به نجات نداشتم، احساس کردم و این را دیدم.

**همسفر برایت از کدام سری باز امام بگوییم از محمود کاوه در سن ۲۱ سالگی، فرمانده‌ای که گروهک‌های ضد انقلاب برای زنده و مرده‌ی او جایزه تعیین کردند... که کاوه‌ی امام در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسید!**

از مهدی زین الدین که در سن ۲۱ سالگی مسئول واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران در دزفول و سوسنگرد، در سن ۲۲ سالگی فرماندهی لشگر علی ابن ابی طالب و در سن ۲۵ سالگی در کنار برادرش مجید به شهادت رسیدا

از علیرضا موحد دانش که از فرماندهی گردان حبیب بن مظاہر تا فرماندهی تیپ ۱۰ سید الشهداء در عملیات والفجر دو با وجود شدت زخم خود را به سنگر دشمن رساند و بادن‌دان سیم ارتباطی آن‌ها با عقبه شان قطع کرد. و در نهایت در ۲۸ سالگی به شهادت رسیدا

از حسین علم‌الهدی فرمانده سپاه و حماسه ساز هویزه؛ که در سال ۵۸ نمایشگاه پیش‌بینی جنگ در اهواز بر پامنود! در سال ۵۹ کلاس‌های قرآن و نهج البلاغه تاریخ اسلام در سپاه پاسداران برگزار می‌کرد و در ۱۶ دی ماه ۵۹ در سن ۲۲ سالگی به شهادت رسیدا

نفس ما هم تخریب گری کن! اتا معبر آسمان، به روی ما هم باز شود...

آخرین ایستگاه قطار همین جا بود: "دوکوهه".

بچه‌های همین جا به مناطق مختلف اعزام می‌شدند. دوکوهه نام آشنای همه‌ی رزم‌مند هاست... اگر خوب گوش کنی صدای دلنشیں شهید گلستانی را می‌شنوی: اللهم اجعل صباحنا، صباح الابرار... یکی از بسیجی‌هاروی یکی از دیوارهانوشه: "ای کسانی که بعداً به این ساختمان‌ها می‌آیید، تورو خدا با وضو وارد شویید..." ایمان استوار، شاخصه‌ی بچه‌های دوکوهه بود.... وقتی به سردر نگاه می‌کنی شاید به ذهن‌ت بیاید چرا دوکوهه؟ سبب این نامگذاری چیست؟ چرا دوکوهه؟ علت‌ش رانمی دانم. ولی دو کوهش را می‌شناسم. حاج همت و حاج احمد متولسلیان... ولی وقتی به این فکر می‌کنی که همه از اینجا به خط مقدم رفتند می‌گویی باید به احترام همه بسیجیانی که قدم در اینجا نهادند؛ هزار کوهه بنامیم... از دوکوهه روایتگری‌ها شروع می‌شده و آماده می‌شی برى برای یادمان عملیات فتح المبین، فتح المبین که فتح الفتوح خرمشهر دلها بود، دل‌های دلداده‌های خمینی.....

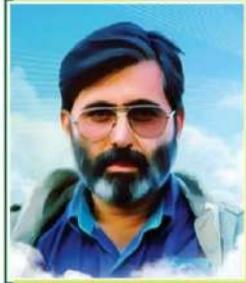


برایت از محاصره شدن صدام و افسران عالی رتبه عراق توسط قهرمان فتح المبین شهید محسن وزوایی و نیروهای گردان حبیب در عملیات بگوییم؟ از آخرین وصیت قهرمان فتح المبین که نوشته است اگر نتوانستید جنازه‌ام را به دست آورید آن را به روی مین‌های دشمن بیندازید تا حداقل جنازه‌ی من کمکی به حاکمیت اسلام کرده باشد.



اگر نتوانستید چنان‌ر ام را به دست آورید آن را به روی مین‌های دشمن بیندازید تا حداقل چنان‌ر ای من کمکی به حاکمیت اسلام کرده باشد.

## جملات ماندگار شهید آوینی در مورد شهداد



شهید آوینی - زندگی به حون وایسته است و بیکر تاریخ بی حون خدا مرده ای بیش نیست و سر مبارک امام شهید بر فراز نی رمزی است میان خدا و عشاق؛ یعنی که این است بهای دیندار ای شفاقتی های آتش گرفته، دل خونین ما شفاقتی است که داغ شهادت شمارا بر خود دارد، آیا آن روز نیز خواهد رسید که بلیلی دیگر در وصف ما سرود شهادت سراید؟ بعضی ها ما را سرزنش می کنند که چرا دم از کربلا می زند و از عاشورا؛ آنها نمیدانند که برای ما کربلا بیش از آنکه یک شهر باشد یک افق است که آن را به تعداد شهدا بیامان فتح کرده ایم، نه یک بار نه دو بار... به تعداد شهدا بیامان زندگی زیبایی را شهادت اما شهادت از آن زیبا تر است، سلامت تن زیاست اما برنده عشق تن را قفسی میسند که در باغ نهاده باشند

آری فتح الفتوح امام و انقلاب فتح المبین نبود، فتح الفتوح امام و انقلاب تربیت انسان هایی همچون آوینی و باقری و همت و کاوه بود. شهید صیاد شیرازی می گفت بعد از عملیات فتح المبین به دیدار امام رفت. در آن دیدار خاطره ای از شب عملیات فتح المبین برای امام تعریف کرد و امام بعد از شنیدن خاطره حرف عجیبی زند. گفتم: وقتی شب عملیات کار گره خورد و یک گردان از لشکر ۲۷ در منطقه گم شد، همه فرماندهان دور هم جمع شدیم و شروع به توسل کردیم.



صداهای گریه های یکی از فرماندهان خیلی مرا متأثر کرده بود. سرم را که بالا آوردم، آنچه را که می دیدم باورم نمی شد! آن فرماندهی که بیشتر از همه زار میزد و اشک می ریخت همان سرهنگ قدیمی ارش شاهنشاهی بود که حالا در اتاق فرماندهی کنار مانشسته بود (سید\_مسعود\_منفرد\_نیاکی) وقتی این خاطره را برای امام تعریف کردم، بلا فاصله امام گفتند: آقای صیاد این چیزی که شما دیدی همان «بازگشت انسان به فطرت خویش» است و یک گردان از لشکر ۲۷ در منطقه گم شد، همه فرماندهان دور هم جمع شدیم و شروع به توسل کردیم. صداهای گریه های یکی از فرماندهان خیلی مرا متأثر کرده بود. سرم را که بالا آوردم، آنچه را که می دیدم باورم نمی شد! آن فرماندهی که بیشتر از همه زار میزد و اشک می ریخت همان سرهنگ قدیمی ارش شاهنشاهی بود که حالا در اتاق فرماندهی کنار مانشسته بود (سید\_مسعود\_منفرد\_نیاکی) وقتی این خاطره را برای امام تعریف کردم، بلا فاصله امام فرمود آقای صیاد این چیزی که شما دیدی همان «بازگشت انسان به فطرت خویش» است. و بزرگترین فتح الفتوح امام و انقلاب همین بود: «بازگشت انسان به فطرت خویش» هنوز هم با راهیان نور ادامه دارد. فرماندهی که روز عملیات بهش زنگ زدند آخرین نفس های دخترت هست، سید گفت: پسرهای من زیر آتش و گلوله هستند. روز آخر عملیات بود تماس گرفتند برای تشییع جنازه دخترش ولی سید گفت: جنازه بچه های من تو خط، روی خاک هست کدوم رو می خوابین تشییع کنید؟

سید مسعود منفرد نیاکی



«باید به خود حرأت داد» این جمله شهید حسن باقری است که بر سنگ مزار پاک او حک شده است. اعتقادی است که حماسه و حیات می‌آفریند. شناختی است که در زندگی فردی و اجتماعی کارکردی سازنده و رشد دهنده دارد.»



شیخ زین الدین

## ..... عطر حضور شهدا در مرکز علمی و دانشگاهی .....

صدای گریه‌هایش بود که از اتاق می‌اوید سید عاشق دخترش بود انقدر که مانمی فهمیم، کاش قدر خونی که برای من و توریخته شده را بدانیم...

آوینی عبور کرد و صد افسوس که اکثر کاروان‌ها با غفلت تمام از کنار مقتول آوینی عبور می‌کنند بدون اینکه از آوینی بشوندو راه تا خدارفتان را بیاموزند. در مقتل آوینی باید از خصوصیات بارز آوینی سخن گفت و درس آموخت، خصوصیاتی که پای رهبر انقلاب را به تشییع پیکر او در خیابان‌های تهران باز کرد.



همسفر عزیز، وقتی به فکه میروی روز خاصی می‌شود، اون روز برایت روزی است که خیلی حرف‌های گفتن هست، خیلی...

قراره باهم برمی‌سرزمین فکه، فکه کجاست؟ غرب شوش رو که به طرف مرز بزی می‌رسی به فکه، داغ ترین نقطه خوزستان، اونجا که هنوز میدون میناش رو می‌توانی پسرهای مادران چشم انتظار ولی قبل از رسیدن به گودال فکه شمالی - تپه دیدگاه رو بادگاری نگه داشته واما قتلگاه فکه باید از یادمان و یادمان حسن باقری که مغز ببینی، هنوز کanal ۹۰ کیلومتری از چذابه تا شهرهانی وجود می‌خواهم برایتان از عملیات محل شهادت سید مرتضی متذكر جنگ رواز مانگرفت

## شهید حسن باقری



نابغه‌ای که نه شانس داشت نه ببابای پولدار! گاهی می‌گیم ما اهلش نیستیم که بشه، که موفق بشیم که کارمون نتیجه بده، که راضی باشیم از نتیجه کار... می‌ذاریمش پای شانس پای اقبال پای ببابای پولدار، بدون پارتی میشه؟ می‌خوام از یه نابغه بگم، یه نابغه‌ای که هفت ماهه و نارس بدنیا اومد نابغه‌ای که نابغه نبود ولی خواست که باشه! تلاش کرد که باشه و شد. از یه نابغه‌ای که هیچ امتیاز زمینی نداشت! نابغه‌ای که همه‌ی امتیازش خدایی بود. نابغه‌ای که از سربازی پهلوی فرار کرد بخاطر خدا، نابغه‌ای که از دانشگاه فساد برانگیز پهلوی اخراج شد بخاطر خدا، نابغه‌ای که بعد انقلاب، دو هفته‌ای رشته حقوق قضایی تهران قبول شد! آن هم فقط بخاطر خدا، نابغه‌ای که در سن بیست و اندی سالگی شده بود، مغز متفرک طراحی جنگ! آره دارم از یه شهید نابغه می‌گم، شهید نابغه‌ای که وقتی رفته بود توی اتاق جنگ، اتاق جنگی که رئیس جمهور، فرماندهان ارشاد از همه شون کوچکتر بود وقتی بهش گفتن پاشو توضیح بددهم تعبیر کردن گفتن این؟ این جلوی رئیس جمهور سوتی نده؟ جنگ مگه بجه بازیه. اما این جوون شهید نابغه اونقدر قشنگ تفسیر کرد و طراحی کرد که دهن همه‌ی روسای جلسه باز موند! نابغه‌ی شهیدی که طراح برجسته و استراتژیک آزادسازی شهر خرم‌شهر بود! واسه خاطر خدا

## جعلات هاندگار شهید حاج قاسم سلیمانی :



برادران، رزمندان، یادگاران جنگ؛ یکی از شئون عاقبت به خیری «نسبت شما با جمهوری اسلامی و انقلاب» است. والله والله والله از مهمترین شئون عاقبت به خیری همین است. والله والله از مهمترین از مهمترین شئون عاقبت به خیری، رابطه قلبی و دلی و حقیقی ما با این حکمتی است که امروز سکان انقلاب را به دست دارد.

دلنوازبه دلت می تابند... با شنی تانک هایشان  
به تک تکشان سربزن... عبور کردند... تا این یاران  
از علم الهدی تا قدوسی کربلایی باشباخت عجیبی  
و تا کج کلاه... به اریاب، به دیدارش بروند...  
بگذار نفست به خاک اینجا هویزه است...  
مزارشان گره بخورد... هوایش را راحت از دست نده.  
اینجا شباخت عجیبی به وقتی وارد هویزه می شوی،  
حاجت را حاجت حقیقی همسفر حال مقصد کاروان به کربلا دارد...  
وقتی عصر روز دهم... همه عالم، ظهور را در نظر بیاور  
یزیدیان بر ابدان پاک و و به نیت کربلای حسین بن  
مطهر حسین (ع) و یارانش علی (ع) وارد شو.

منظومه ایست برای خودش... تاختند... اینجا بود که هزار  
گند فی روزه ای ماه و اندی سال بعد... یزیدیان  
قبور شهدا ستاره های این زمانه تاریخ را تکرار کردند و از  
منظومه اند... وارد یادمان روی ابدان مطهر سید حسین  
هویزه که می شوی این علم الهدی و یارانش...  
ستاره ها را می بینی که چقدر

## مورد

شهید حسن باقری واسه خدا همت کرد و نابغه شد. به همون خدا آگاه ماهم بخاطر خدا قدم برداریم می تونیم نابغه بشیم... بی پول، بی شانس، بی بابای پولدار. قتلگاه فکه که محل شهادت ۱۲ شهید تشنۀ است و محل پرواز سید مرتضی آوینی و قلب تپنده فکه یعنی کانال کمیل و حنظله، همون جا که ابراهیم هادی از اونجا آسمانی شد و رفت و هنوزم بر نگشته امروز آگه همراه باشی گرونا رو که نه، همه عالم رو فراموش می کنی وجودت اسیرو و مست علی اکبرهای خمینی می شود.

## همسفر مقصد را به سمت منطقه هور ادامه می دهیم

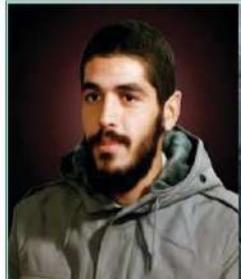
سلام می دهیم بر همه شهدا هور و شهدای غریب قرارگاه فوق سری نصرت.

هور منطقه ای آب گرفته، شبیه به تالاب بانیزارهای بلند است. هور الهویزه یکی از بزرگترین هورهای جهان است که از چزابه تا طلاشه و از آنجا تا جاده العماره - بصره عراق امتداد دارد. امروز مهمان یادمانی در نزدیکی جزیزه مجنون... مجنونی که در جنگ مجنون ترشد! مجنون یه سردار گمنام اسرداری که اسمش علی بود، رسمش هم علی بودا... علی وار وسط میدان آمد و علی وار در غربت برای خدا کار کرد و حماسه ها آفرید در آن دشت پراز آب و نیزار... و علی وار تا سال ها بعد از شهادتش هم غریب بود ولی هور بعد شهادت حاج قاسم وقتی روایت گریه اش را شنیدم معنی هور قبلی راندارد هور برایم

حاجت شهادت گرفتن و معجزه های حضرت مادر (س) را دارد. همسفر حس و حال منطقه هور رانگه دار می خواهم به سمت ارونده بروم. همسفرم، می خواهم تو را به جایی ببرم که عزیزانمان در آب ارونده خود غلتیدند. اینجا ارونده است، رودی خروشان و نا آرام، رودی که تنها افرادی می توانستند از سیم خاردارها و موائع خورشیدی تعبیه شده در ساحل آن عبور کنند که در سیم خاردار نفس خود گیر نکرده بودند. اینجا ارونده است، رودی که هر چیزی را که در مسیرش باشد می برد، حتی دل را.



«اگر کار برای رضای خداست، گفتن نداره» و یا «مشکل کارهای ما اینه که برای رضای همه کار می‌کنیم، به جز خدا»



همسفرم می خواهیم برویم طلاییه

به سعادتتان که غروب شلمچه را برای اولین دیدار تجربه می کنید....  
بی اختیار دویدم سمت ورودی ها....  
نمی دانم چه باعث شد که پاهایم توانایی ادامه راه را داشته باشند و چشممانم محظوظ تماشای این سرزمین سراسر خاک شود....  
تابه خود آمدم گونه هایم خیس بود.... آخر اشک چرا؟!

اشک شوق بود یا هیجان؟ خستگی از این دنیای فانی و عشق شهادت بود یا همان حسی که می گفت اینجا جنس خاکش فرق می کند... آروی گفت اینجا که بایستید درست رو به روی حرم اربابید... آن لحظه حس خاصی داشتم... گاهی اشک میریختم و گاهی لبخند می زدم... اشک و لبخندم طوری با هم آمیخته شده بود که لذت بخش ترین حس دنیا بود... درست شبیه رنگین کمانی که همزمان با بارش نم نم باران آسمان رانقاشی می کند... به یاد دارم در آن لحظات با تمام توانم آن هوا دلنشیں را به ریه های خود می کشیدم....

از اسمش معلوم است... اینجا طلای ناب میدهند... آن هم صلواتی اطلای ناب اینجا عشق است... تا به حال عاشق شدی؟ نترس ، کافی است دل بدھی به خاک اینجا و متصل شوی... سه راهی شهادت محل خوبی است برای پرواز... بین سه راهی که نشستی به آسمان خوب نگاه کن... شاید چهره تک تکشان را بینی... همان هایی که وقتی هنوز تو در این دنیا نبودی عاشقت شدند... برایت جان دادند... و از همین سه راهی پر کشیدند... آری... آن ها جان دادند تا تواز پانیفتی... آماده باش برای پرواز... اینجا طلاییه است. می گویند همت از همین نقطه آسمانی شده است، عاشقی که در پی لیلای شهادت در بیابان های زخم خورده طلاییه مجنون شد. امروز می خواهیم رد پای اورا تافق های بی نهایت و در امتداد عشق جست و جو کنم. اینجا عطر او لحظه ها را پر کرده است و دست هایش هنوز مهربانی را منتشر می کند. می خواهیم برایت از سردار خیبر شکن بگوییم سرداری که می خواست از آب به تو برسد... دیگر طاقت دوریت را نداشت، طاقت نداشت از جاده خاکی برسد به تو!!! این بار عملیات را از آب طراحی کردند این لیلی لیلی جماران به سمت مجنون می رفت که هنوز به آب نرسیده، به هور نرسیده، به مجنون نرسیده به معبدش رسید.



همسفرم می خواهیم تورا جایی ببرم که خیلی از رفقا برات کربلا از این منطقه گرفتند به نام کسی که بهشتی از جنس خاک را آفرید. گفتند تعریف کن از راهیان نور... در دل خود گفتم، تعریف کنم؟ آخر از چه؟! مگر می شود توصیف کرد قطعه ای از بهشت خاکی را... شنیده بودم شلمچه جنس خاکش با همه جا فرق دارد... باور نداشتم... آخر مگر می شود یک جایی بر روی این کره خاکی حال هر کسی را متحول کند... اما برای تجربه این جای خاص به این سفر رفتم... خادم الشهید گفت: رسیدیم شلمچه... نزدیک غروب است خوش به



## جملات ماندگار شهید سلیمانی در هوره شهادت:

این نکته مهمی است که خواهران من برادران من، عزیزان مشتاق! تا کسی شهید نبود شهید نمی شود. شرط شهید شدن شهید بودن است. اگر امروز کسی را دیدید که بُو شهید از کلام او از رفتار او از اخلاق او استشمام شد بدانید او شهید خواهد شد. تمام شهداي ما این مشخصه را داشتند. قبل از اینکه شهید شوند، شهید بودند. نمی تواند کسی قبل از اینکه علم بیاموزد عالم شود. شرط عالم شدن علم آموزی است؛ شرط شهید شدن، شهید بودن است.



غروب بود و یک حال عجیب...

نمی دانم چطور می شود توصیف کرد حال آن دقایق لذت بخش را...

اصلاً مقابل حرم آقا که می ایستی انگارنه انگار کیلومترها از بین الحرمین دوری... کافی است چشمانت را بیندی و تجسم کنی... آن وقت است که باتک تک سلوول هایت بُوی بهشت را حس میکنی...

نمی دانم چه چیزی باعث می شود حس کنی اگر کمی صدایت را بلند کنی... خدا و تمام ملائکه اش سکوت می کند تابش نوند در دودل هایت را... تابش نوند خستگی هایت از وابستگی به این دنیای خاکی را... تابش نوند دلتگی های شب های بین الحرمین را...

نمیدانم... نمیدانم چه شد ولی آن چند ساعت بدون در ک گذر زمان تمام شد...

وقتی توی بلندگو بعد بله برون حاج حسین یکتا اعلام کردند وقت رفتن است، حس کردم دنیاروی سرم آوار شد...

چقدر دوست داشتم گوش هایم دیگر نشنوند و من بمانم و اون حس و حالم

حال همسفرم، خیلی ممنونم با من آمدی به سرزمین راهیان نور که مجبور بودیم به خاطر وبروس کرونا راهیان نور را مجازی برگزار کنیم امیدوارم توانسته باشم اندکی با قلم های پیش پا افتاده ام حس و حال راهیان نور را برایت تجسم کنم.





خاصیت کشته شدن در راه خدا این است که انسانی جان خود را صرف نمیکند برای یک هدف و مقصد الهی و خدای متعال هم در باسخ به این ایثار و گذشت بزرگ، حضور او را در ملت او تداوم نمیبخشد و یاد، فکر و آرمان او زنده میماند.

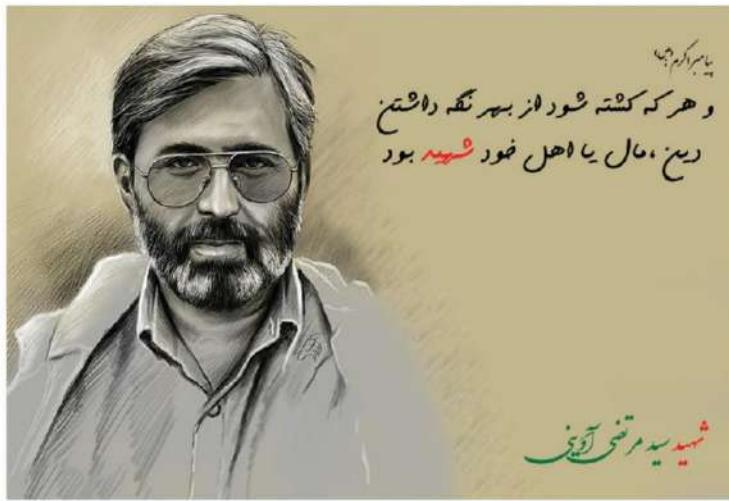
## نبرد با مرگ . . . . .

نویسنده: سپیده قهرمان پور

حجم از اراده و همت و با اطمینان به وعده‌ی الهی که می‌فرماید: «هر کسی در جهاد به راه خدا کشته شود فاتح است زود باشد که او را اجری عظیم دهیم (نساء اجری عظیم دهیم نساء ۷۴).» پا به میدان نبرد می‌گذارند، بی شک پیروز هستند، حتی اگر جهانی در مقابلشان باشد.

زمانی که از برهم خوردن معادلات جهانی حرف می‌زنیم آن جایی را می‌گوییم که وقتی دشمن از تعداد زیاد کشته‌های ما سرمست می‌شد مردم به پیروی از امام همین شهداء می‌گفتند: «بکشید مارا، ملت ما بیدارتر می‌شود.» آری. بیدارتر، آگاه تر، با استقامت بیشتر و محکم تر... به قول سردار دل‌ها که خود را سرباز این انقلاب می‌دانست: «ماملت شهادتیم.» آری... ما برای آنکه ایران خانه خوبان شود، رنج دوران برده‌ایم...

ما برای جاؤدانه ماندن این که: «در برابر این شهداء دودو تا چهارتای مادی عشق پاک، خون دل‌ها مانه‌وز در خم یک باشد، بر هم می‌خورد. خورده‌ایم. اللهم الرزقنا الشهاده کوچه هم نیستیم.» وقتی انسان‌هایی با این



پیر کرم  
و هر که کشته شود از بسیار کم را فتح  
ریخت، مال یا اهل خور **سپیده** بود

**سپیده مرزبان**

کوه باشی، سیل یا باران په فرقی می‌کند سرو باشی، باد یا توفان په فرقی می‌کند مرزها سوم زمین‌اند و تو اهل آسمان آسمان شام یا ایران په فرقی می‌کند قفل باید بشلنند، باید قفس را بشلنند همیر «الزهرا» و «آبادان» په فرقی می‌کند مرز ما عشق است، هر چا اوست آنبا هاک ماست سامرا، غزه، هلب، تهران په فرقی می‌کند سید محمد مهدي شفيعي

اوین یالوم، یکی از مشهورترین روان‌شناسان معاصر چند چیز را از آشکارترین حقایق زندگی می‌داند و یکی از آن حقایق این است که انسان‌ها از تمام شدن، محو شدن، نبودن و مردن می‌ترسند و هر لحظه در هر اس از مرگ به سر برند. تاناتوفوبیا (بیماری ترس از مرگ)، مکاتبی چون نهیلیسم (پوچ‌گرایی) و تفکرات برخاسته از این‌ها روان‌شناسان، فیلسوفان، عرف‌وادبای بسیاری را بر آن داشت که مرگ را به عنوان حقیقت موجود تبیین کنند. این‌ها را گفتم تابگوییم عده‌ای بودند، بدون ترس، با رضایت خاطر، بادلی سرشار از عشق و امید و سری آکنده از شور شهادت، برای دفاع از آرمان‌ها و اعتقاداتشان، برای احیای مفاهیم بزرگی چون آزادی، استقلال، مقابله با ظلم، به میدان نبرد رفتند، جنگیدند و آرزوی شهادت در سر می‌پروراندند.

البته که همیشه و همه جا کشته شدن برای دفاع از کوچه هم نیستیم.» وقتی انسان‌هایی با این

برادرها و خواهرها بدانند شما ملت انقلابی ایران امروز یک شانس دارید . نشان دادن یک الگو و نمونه جدید که دنیا دنبال آن می‌گردد ، باور کنید که خود غربیها از نظام حاکم برغرب خسته شده‌اند.



## نویسنده: سیده لیلا ذاکری

## کینه از آیت، واهمه از دیالمه!

دشمنی میرحسین موسوی با سیدحسن آیت به دلیل افشاگری هایش علیه میرحسین و همسرش، قابل انکار نیست. امیرسعید نقی زاده سهی، عضو واحد دانشجویی حزب جمهوری اسلامی و قائم مقام مدیر مسئول نشریه کارگری حزب (صالحان سازنده) که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی با شهید آیت حشر و نشر داشته است و خود را مرید ایشان می داند، می گوید: «شهید آیت، بارها در جلسات حزب، میرحسین موسوی و زهرا رهنورد راالتقاطی معرفی می کرد و مخالف حضور او در بدن ارشد حزب بود. شهید آیت تشكل هایی همچون جبهه ملی، نهضت آزادی و سازمان مجاهدین خلق را حلقه هایی پی در پی یک زنجیر می دانست و تشکیلاتی مثل جاما و جنبش مسلمانان مبارز راهم که حبیب الله پیمان رئیس آن بود، در چارچوب این جریان ارزیابی می کرد. شهید آیت معتقد بود که استعمار در برابر مبارزان اصیل، مبارزان قلابی و بدی به وجود می آورد و از این رو میرحسین را یک انقلابی قلابی می دانست که برای انحراف جریان اصیل در میان آن قرار گرفته است»

همچنین اسدالله بادامچیان از اعضای شورای مرکزی حزب جمهوری اسلامی در توضیح چرایی مخالفت های سید حسن آیت با میرحسین موسوی گفته است: «دلیل مخالفت شهید آیت با موسوی فقط قضیه مصدق و کاشانی نبود. آیت می گفت میرحسین موسوی در خط آمریکایی هاست و اگر وزیر شود، با آمریکایی ها سازش می کند. البته آیت، آقای موسوی را حتی مهره بدی استکبار هم نمی دانست، اما نظرش این بود که در آینده این چنین می شود. بنابراین می گفت من به عنوان نماینده مجلس، حق قانونی و وظیفه شرعی دارم که با مسئولیت دادن به چنین عنصر غیر صالحی که احتمال وابسته شدن در آینده یا در دوران مسئولیتش را دارد، مخالفت کنم.

هفتم تیرماه، مصادف با شهادت مظلومانه آیت الله بهشتی و ۷۲ تن از یاران انقلاب در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی است، حادثه ای که در آن چند تن از نماینده‌گان مشهد در مجلس همانند «عبدالحمید دیالمه» به شهادت رسیدند. ۱۴ مرداد همان سال نیز، «حسن آیت» با قساوت و شقاوت تمام و باشلیک ۶۵ گلوله در حالی به شهادت رسید که نقش مهمی در تصویب اصل ولايت فقيه و سپاه پاسداران و حتی شورای نگهبان در قانون اساسی داشت!

### بعض از آیت

یکی از اصلی ترین دلایل بعض و کینه برخی، از «شهید آیت»، به مخالفت ها و افشاگری های وی درباره میرحسین موسوی در زمان دارا بودن سمت وزارت خارجه برای کابینه شهید باهنر باز می گردد. برخی چهره های جریان چپ از همان ابتدا با شهید آیت میانه خوبی نداشتند و پس از آن نیز دسته ای که زاییده جریان چپ هستند، نسبت به او بعض داشته و حتی دست به تخریب این شهید با بصیرت نیز زده اند. اما با پرنگ شدن گفته های دکتر آیت در حوادث سال ۸۸ - درباره آینده میرحسین موسوی و پیش بینی های او درباره تبدیل شدن میرحسین موسوی به نیروی آمریکا در ایران، روند بعض و کینه آن جریان از این شهید روند صعودی تری به خود گرفت. این در حالی بود که برای بسیاری تا قبل از اتفاقات سال ۸۸ شخصیت شهید آیت چندان مطرح نشده بود و البته همچنان در جریان اصلاحات کسانی هستند که سال هاست از مطرح شدن و بازخوانی مواضع و دیدگاه های سیاسی وی ترس دارند.



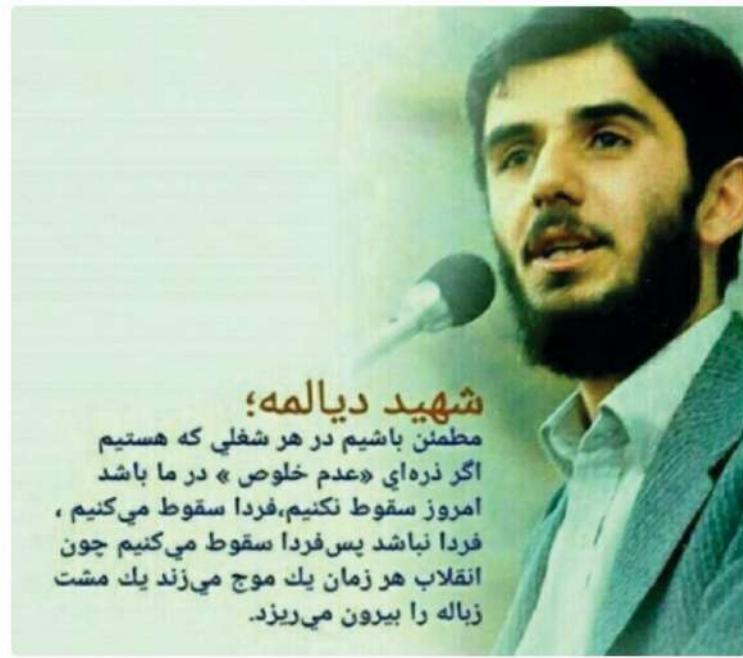
زهد بمعنای « در مجموعه بودن » ولی « وابسته نبودن به جمیع » است. یعنی عدم وابستگی بدون بیکانه بودن.



شیخ زبان

### کینه از آیت، واهمه از دیالمه! :::::

ویژه نامه هایی درباره تختی چاپ می کنند در حالی که تختی فقط جزو جبهه ملی بوده و یک کشتی گیر بود والله شما به خاطر کشتی گیر بودنش از او مقاله چاپ می کنید و نه فقط به خاطر جبهه ملی بودنش زیاد از او صحبت و مقاله چاپ می کنید والا تختی هم همانند صدھا هزار نفر کشتی گیر دیگر مانند سید عباسی، حبیبی و غیره داشتیم، چرا اونارو



#### شهید دیالمه!

مطمئن باشیم در هر شغلی که هستیم اگر ذره ای « عدم خلوص » در ما باشد امروز سقوط نکنیم، فردا سقوط می کنیم، فردا نباشد پس فردا سقوط می کنیم چون انقلاب هر زمان یک موج می زند یک مشت زیاله را بیرون می ریزد.

#### افشاگری دیالمه

شهید دیالمه وقتی شنید بنی صدر برای ریاست جمهوری کاندیدا شده است مخالفت جدی خود را اعلام کرد و گفت: « ریاست جمهوری بنی صدر برای جمهوری اسلامی فاجعه است! » و تا توانست علیه او روشنگری کرد. حتی پیشنهاد داد در رابطه با اقتصاد و جایگاه زن با او بحث آزاد داشته باشد که بنی صدر از این موضوع شانه

خالی کرد. وقتی هم که این رئیس جمهور خائن عزل شد، عبدالحمید معتقد بود باید همه افکار او و کارهایش واکاوی شود و برای همه جامعه تبیین شود.

وی در یک سخنرانی بخشی از دیدگاه خود نسبت به میرحسین موسوی را نیز با صراحت تمام، بیان کرد که در متن ذیل آن را می آوریم: جهت فکریش همونه و اگر اما حتی یک خط در مورد اسلامی که به اسم خیابان همین الان افرادی کاندیدا رجوع بکنید به روزنامه های آیت الله کاشانی نمی نویسه هستن برای بعضی از وزارت بینیید در خیلی از جاهاش این بروید بینیید روزنامه های خانه ها که به اعتقاد من خطا مشی رو طی می کنند در اون زمان رو اگر یک خط حتی تمامی این حرف ها را گفتم خط فکریشون درست حالی که من روزنامه و این رواز یک خط در مورد آیت الله نیست ولی متأسفانه کاری دید حزب نمی بینم بلکه من کاشانی، قبل و بعد از سالگرد این را فقط از پایگاه ایشون ایشان در این روزنامه آورده ام که بعد از صحبت های من نمی توانم بکنم فقط این را فقط از پایگاه ایشون ایشان در این روزنامه آورده ام آقای موسوی برای دفاع از می توانم یک رأی مخالف می بینم و این را هیچ کدام به من اسمم را عوض می کنم، اما خود بلند شد و گفت ما این را

**جعلات ماندکار شهید دیالله در مورد عدم خلوص:**

مطمئن باشیم در هر شغلی که هستیم اگر ذره‌ای عدم خلوص در ما باشد امروز سقوط نکیم، فردا سقوط می‌کنیم، فردا نباشد بس فردا سقوط می‌کنیم جون انقلاب هر زمان یک میثت زباله را بیرون می‌برد. در موج انقلاب یکی همان اول پایین می‌افتد، اگر اول مخالفت می‌کند، دیگری یک‌خرده جلوتر، دیگری به شکل دیگر، یکی مقداری مسائل اسلامی را رعایت می‌کرده و می‌گفته مسلمانم و بیرو «خط امام» هستم. همه‌ی شخص مدتی بعد از «خط امام» پایین افتاده است. الان اگر نگاه کنید آنهایی که در اینجا بر روی این موج سوار شدند و گاهی اوقات می‌گویند که ما سقوط نکردیم و هنوز بر روی موج سوار هستیم، در واقع همه سقوط کرده اند! تعدادی از آن‌ها فقط آن مانندند. بنابراین خالص ماندن و به ساحل رسیدن کار دشواری است. اگر قرار باشد که ادعا کنیم که ما می‌مانیم و سقوط نمی‌کنیم و این بیعت را پذیرفتهیم، ادعای بسیار مشکلی خواهد بود.

### کینه از آیت، و اهمه از دیالمه!

رونمی پذیریم به دلیل اینکه نمی‌خواهیم شیوه‌های آسیب‌پذیری و کمونیستی رود ایران ایجاد کنیم، البته لفظ راشتباه به کار می‌برد اما من برداشتی را که از گفتن این مطلب بیان کرد عرض می‌نمایم برداشت ایشان این بود که در شیوه‌های کمونیستی که ما یک چیزی را که در سابق اتفاق افتاده و در تاریخ مجدد آبیاییم دنبال گیری کنیم و در موارد فعلی به آن تجسم بدهیم و بزرگش کنیم، مثلاً اگر کاشانی یا مصدقی آن زمان بود حالا باییم آن‌هم یک مصدق و کاشانی بسازیم. البته سابقه‌های مکرر هم در گروه‌های منفی داشته از جمله بودنش در گروه نخشب که جزو بافت او بوده است و با پیمان و سامی در این باند نخشب بودند که بعد از مدتی از هم جدا شدند که پیمان گروه جنبش مسلمانان را درست کرد و سامی گروه جامارادرست کرد ولی آقای موسوی به ظاهر می‌فرماید که من یک آدم مستقل هستم و در واقع همون شیوه فکری را امروز داره و به اعتقاد من در داخل روزنامه هم دقیقاً این شیوه فکری را اعمال کرده و برای مثال از نماینده‌های عضو جنبش مسلمان مصاحبہ کرده و مقاله‌های بلند بالایی در صفحه اول با تیتر درشت در مورد قضیه تالبوت نوشته و عکس‌های مختلفی را در اندازه‌های مختلف در این مورد به چاپ رسانده و حتی یک بار عکس پیمان را در صفحه اول جمهوری اسلامی چاپ می‌کند.

شَهُرُ عِدْلِ الْحَمْدِ الْعَلِيِّ

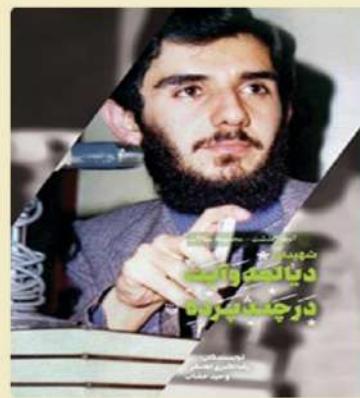
▪ جرم من آن است که حرف‌هایم را  
زودتر از زمان می‌زنم.

خطر برای انقلاب اینجاست که مردم می‌بینند انقلاب شده، مسکن ندارند و مقدمات زندگیشان را نمی‌توانند فراهم کنند.  
ما را از آن طرف مرزها نرسانید که در آنجا خطری نیست، خطر واقعی اینجاست. لذا می‌خواهند شما را از خطر واقعی  
غافل کرده و از خطر حیال داشته باشد.



## گردآورنده: سیده لیلا ذاکری

## شهیدان دیالمه و آیت در چند پرده!



گرچه در دوره نهضت ملی بسیار سن کمی داشت و تا پایان دوره دبیرستان هم در همان شهر کوچک نجف آباد ماند، ولی با ذهن دقیق و پشتکار مثال زدنی که داشت چنان جریان‌های سیاسی را خوب شناخته بود که وقتی در دانشگاه قبول شد و به تهران آمد تکلیف‌ش با خودش روش روشن بود و می‌دانست باید خط سیاسی آیت‌الله کاشانی را دنبال کند.

وقتی که آیت به تهران آمد، او اخر دهه سی، همزمان بود با رقابت‌های انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا و بعد، انتخاب کنندی به ریاست جمهوری آن دوران. در داخل ایران هم برخی احزاب و اشخاص ملی گرای پایبند به قانون اساسی مشروطه و قائل به مبارزات پارلمان‌تریستی فرسترا غنیمت شمرده و با توجه به فشار کنندی به شاه برای دادن فضای باز سیاسی (درجهت جلوگیری از نفوذ کمونیسم)، اقدام به تأسیس جبهه ملی دوم کرده بودند.

کتاب "شهیدان دیالمه و آیت در چند پرده" به قلم رضا اکبری آهنگر و وحید خضاب جلد هفتم از مجموعه «آنچه گذشت» است، که در چهار مقاله جمع‌آوری شده به مواضع و زندگی شهید دیالمه و سید حسن آیت پرداخته است.

در طول نهضت امام خمینی (ره) و به ویژه بعد از تثبیت نظام جمهوری اسلامی تاریخ انقلاب اسلامی شخصیت‌هایی را به خاطر سپرده که کارنامه درخشانی را از خود به یادگار گذاشته‌اند که متأسفانه به علت‌های مختلف برای نسل‌های بعدی، بازخوانی نشده و بنابراین اسم این شخصیت‌ها کم‌کم به دست فراموشی سپرده شده است. کتاب حاضر در مقاله اول به بررسی مفصلی از زندگی و مواضع شهید دیالمه از تولد تا شهادت، پرداخته است و بیشتر منابع این مقاله، برگرفته از مصاحبه‌هایی است که آقایان حجت‌الاحمدی و محمد‌مهدی خالقی با خانواده و دوستان شهید انجام دادند. دومین مقاله اختصاص دارد به بررسی خلاصه‌ای از زندگی سید حسن آیت. این مقاله به صورت مُرور وار به بررسی مهم‌ترین نقاط زندگی سید حسن آیت پرداخته تا بتواند تصویری کلی از روند زندگی این شخصیت در ذهن شما ایجاد کند.

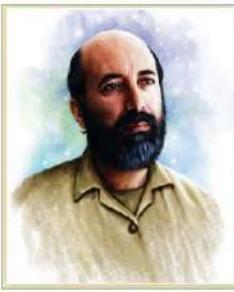
در سومین مقاله از این مجموعه، به موضوع همسوی آیت و مظفر بقایی که یکی موضوعات مهمی است که منتظران در مورد شهید آیت مطرح می‌کنند، پرداخته شده. نویسنده علی رغم وجود خاطرات فراوان برای رد این اتهام با تلاش بر آن بوده تا اختلافات اساسی آیت و بقایی را به اثبات برساند. این مقاله در گذشته در برخی از سایت‌ها منتشر شده است.

مقاله چهارم به ماجراهی «نوار آیت» که یکی از کلیدی‌ترین اتهاماتی است که در زمان حیات سید حسن آیت و بعد از شهادت او و حتی تا به امروز، همواره برای ایشان استفاده می‌شده، پرداخته و به صورت خلاصه، به اتهام اصلی آیت در این قضیه پاسخ داده است.

## در بخشی از متن کتاب شهیدان دیالمه و آیت در چند پرده می‌خوانیم:

در سوم تیر ۱۳۶۷ در نجف آباد به دنیا آمد. هم پدرش سید بود و هم مادرش. گرچه خانواده فقیرشان با درآمد کشاورزی پدر سرمی کرد و دولی جد مادری اش از علمای به نام بود و همین، رگهای از جویندگی علم را در این خانواده نهادینه می‌کرد. شاید به همین جهت بود که سید حسن نوجوان حاضر می‌شد از خرج روزانه و پول توجیبی اندکش مقداری را پس انداز کند تا بتواند روزنامه بخرد. از آنجایی که برخی از روزنامه‌ها در آن دوران به نجف آباد نمی‌آمدند، او با اصرار از کسانی که به اصفهان رفت و آمد داشتند می‌خواست آن روزنامه‌ها را برایش بخند.





آنان که به من بدی کردند ، مرا هشیار کردند آنان که از من انتقاد کردند ، به من راه و رسم زندگی آموختند. آنان که به من بی اعتمایی کردند ، به من صبر و تحمل آموختند. آنان که به من خوبی کردند ، به من مهر و وفا و دوستی آموختند. پس خدایا : به همه ی آنانی که باعث تعالی دنیوی واخروی من شدند ، خیر و نیکی دنیا و آخرت عطا بفرما .

گردآورنده: سیده لیلا ذاکری

بازخوانی یک سخنرانی مهم؛ آیت الله علیه ماسون ها!

«خطری که من احساس نواقصی را که جلوی تحقیق این این که می‌گوییم اسلام جامع کرده و مراجع هم نظر بدهند، می‌کنم شدیدترین خطری امر را گرفته‌اند شناسایی و در بوده و همه چیز از فرهنگ و ولی مسئولان کشور به آن است که تا به حال اسلام را اقتصاد گرفته تا حقوق و اعتقاد نداشته باشند اصلاً جهت رفع آنها برآمد.

تهدید کرده است و آن هم از وی با اشاره به وجود دو مشکل سیاست در آن وجود دارد، نه تصویب و اجرا نخواهد شد و سوی نفوذی‌هایی است در بعد شناخت و بینش گفت: بدان معناست که هر کدام حتی قوانینی بوده است که با که در بین خودی‌ها در حال به اسلام باید به عنوان یک بخش مستقلی است، بلکه رأی قاطع تصویب شده مجموعه ارگانیک نظر کرد، همه این بخش‌ها به هم وشوراء نگهبان نیز تأسید رشد هستند.»

حضرت آیت‌الله مصباح‌یزدی، یعنی بدانیم اسلام‌مجموعه‌ای پیوسته و در یکدیگر کرده، اما از آنجا که مطابق میل رئیس مؤسسه آموزشی و است که اعضا‌یاش تأثیر و تأثر تأثیرگذارند. علامه مصباح‌ مجریان نبوده، متروک مانده پژوهشی امام خمینی(ره) در مقابل در یکدیگر دارند و همه یزدی یا اشاره به اینکه هر است.

دیدار با جمعی از مسئولان اعضاي آن زمینه رسيدن به بخش از اسلام دارای لايدهای علامه مصباح يزدي ادامه داد: شورای عالي زنان (در سال هدف واحد را فراهم می کنند. مختلف است، دومين مشكل پس مشخص می شود آنچه گفت: امروز بيش از سه مصباح يزدي اولين مشكل را را نگاه سطحي به اسلام اهميت دارد تقويت اعتقاد (۱۳۹۰)

دهه از انقلاب اسلامی عدم این نوع بینش در کشور دانست و اظهار داشت: اگر به قلبی مردم و مسئولان به می‌گذرد و فعالیت‌های بسیار دانست و گفت: متأسفانه این لایه‌های عمیق آن توجه اسلام است که در این صورت زیادی در نظام صورت گرفته و نگرش که همه بخش‌های نکنیم چه بسا در دراز مدت حاضرند تا پای جان برای آن

گاه باعث بعثت جهانیان شده اسلام مانند پیکره واحدی دین را از بین ببریم، چرا که ایستادگی کنند. است، اما هنوز تارسیدن به است که تنها رشد در یک نگاه سطحی به اسلام مانند علامه مصباح یزدی با اشاره به نقطه ایده‌آل فاصله بسیاری بخش نمی‌تواند راهگشا باشد، درختی است که ریشه‌ای لزوم فعالیت و تلاش در دو

در کشور ما و دیگر کشورها جا ندارد. رئیس مؤسسه آموزشی جهت فکری ادامه داد: اول آیت الله مصباح یزدی ادامه نیفتاده است. و پژوهشی امام خمینی(ره) در آنکه اسلام به طور کامل در داد: باید مسائل را به صورت عضه خبر گان، هیئی، در ادامه به عنوان نمونه به مسئله نظر گرفته شود و تجربه نشود.

رسانه، که واقعاً ولايت‌فقيه، اسلام‌احن‌نشود. آثر نخواهد  
حتى در بین مسئولان نیز زن حل شود و دیگر بخش‌های  
ريشه‌اي حل کرد و مشکلات و توضیح مطلب فوق ادامه داد: ولايت‌فقيه اشاره کرد و گفت: چرا که اگر مثلاً مسأله حقوق

شناخته و بدان اعتقاد دارند بخشید و باز هم ضعف وجود  
کم‌اند و حتی عده‌ای معتقدند خواهد داشت." در درون جامعه  
این‌که نک روحانی، آن هم به ما تشکیلات فراماسونی در

حکم دین در رأس مسائل حال شکل گرفتن است" کشور قرار بگیرد، امری اشتباه عضو خبرگان رهبری خاطر است! وی افزود: با وجود این نشان کرد: اگر روزی

مشکلات، اگر هزار بار درباره مسئولیتی بر سرکار آیند که حقوق زن تحقیق و اجتهاد در ابدی بودن احکام اسلام



پاسخ قطعی به مسائل روز ، یکی دیگر از عوامل موققت نهضت است. رسول اکرم از اول تا آخر نهضت ، همیشه به سوالات ، جواب قطعی ، قانع کننده و روشن می داد و این جزو عوامل موققت نهضت اسلام است



## نقاشی به زندگی فقیه انقلابی مرحوم مصباح یزدی



# عمتک ار انقلاب الله مصلی الله علیہ و آله و سلم



تشکیک کنند- همان گونه که در دوره‌ای چنین شد- اساس اسلام زیر سوال می‌رود و جایی برای بحث‌هایی مانند حقوق زن در اسلام وغیره باقی نمی‌ماند. وی ادامه داد: دومین فعالیتی که باید صورت گیرد پی بدن به عمق اسلام و عقیده قلبی نسبت به آن به ویژه در مسائل اعتقادی، و عمل به اسلام است.

آیت‌الله مصباح یزدی با هشدار به مسئولان گفت: امروزه در دوران جامعه ما تشکیلاتی فراماسونی در حال گرفتن است، و همان‌طور که در دوران مشروطه، فراماسونی با شعار قرآن و اسلام پیش آمد، امروز نیز فراماسونی با شعارهای انقلاب و اسلام جلوه‌می‌کند و تحت پوشش آن حرف خود را بیان می‌کند، یعنی قالب را حفظ و محتوا را عوض می‌کند.

وی ادامه داد: چگونه کسی که در عمرش با عالمی ارتباط نداشته و علاوه بر آن هر روز ضربه‌ای به اسلام می‌زند، می‌تواند برای اسلام مفید باشد، و معلوم نیست چه شده که برخی نیز به آن‌ها دل بسته‌اند! استاد اخلاق حوزه علمیه قم گفت: اگر تبلی کنیم زمانی از خواب غفلت بیدار می‌شویم که تیرگی فتنه همه جارا فراگرفته است و می‌بینیم همان کسانی فتنه را آغاز کرده‌اند که؛ خود پرورش داده‌ایم. این عزل و نصب‌ها از کجا در می‌آید؟ این حرف‌های ملی گرایانه و مکتب ایرانی، آن‌هم در زمانی که نهضت اسلامی در جهان اسلام در حال شکل گیری است، برای چیست؟ ملی گرایی و دم‌زدن از مکتب ایرانی با چه انگیزه‌ای می‌تواند صورت بگیرد؟

این متفکر اسلامی افزود: اگر روزی از ما بپرسند چرا برای تساوی ارث زن و مرد کاری نکردید شاید بتوانیم عذری بیاوریم، ولی اگر به ما بگویند چرا اساس اسلام را حفظ نکردید چه عذری می‌توانیم بیاوریم؟! نفوذی‌هایی در بین خودی‌ها در حال رشد هستند. علامه مصباح یزدی با اشاره به تاریخ صدر اسلام گفت: همان کسانی که از اصحاب رسول خدا صلی الله علیہ و آله بودند پس از رحلت ایشان علی علیه السلام را خانه‌نشین کردند، و بنی‌امیه که بانام اسلام بر سر کار آمدند کاری کردند که همه منابر به لعن علی علیه السلام می‌پرداختند و مجاهدان و یاران پیامبر صلی الله علیہ و آله نیز اعتراضی نکردند؛ پس جای تعجب نیست اگر برخی از یاران امام، روزی علیه اسلام و انقلاب به پا خیزند (همان‌گونه که سران فتنه گذشته این چنین کردند)، و جای تعجب نخواهد بود اگر برخی از کسانی که امروز دم از رهبری می‌زنند و از یاران رهبری هستند، فرد افتنه بزرگ‌تری را به وجود آورند! رئیس مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ادامه داد: خطری که من احساس می‌کنم شدیدترین خطری است که تا کنون اسلام را تهدید کرده است و آن‌هم از سوی نفوذی‌هایی است که در بین خودی هادر حال رشد هستند. علامه مصباح یزدی در پایان، طول عمر رهبر شایسته و مدبر نظام اسلامی را از خداوند مسأله کرد و گفت: بزرگ‌ترین نعمتی که برای حفظ اسلام به آن امید داریم، وجود مقام معظم رهبری است.

در زندگی دنیاک کسانی حرکت کنید که هر چه به جنبه های خصوصی تر زندگی ایشان نزدیک شوید تجلی ایمان را بیشتر می بینید.



## گردآورنده: مریم دوستی

## حنیفه فامه

### مستند "بانو عصمت"

وقتی پوشالی ها جای قهرمانان واقعی را می گیرند و در مسیر معرفی این قهرمانان و الگوهای واقعی حرکت نمی کنیم، در واقع اعتماد به نفس را از این جامعه گرفته ایم!

قهرمان کسی است که از دل اتفاقات عجیب و غریب و نقاط عطف زندگی اش طوری بیرون آید که آدمهای معمولی بیرون نمی آیند. "بانو عصمت" با مسائل پیچیده زندگی با سوگ، مصیبت، سختی و تلخی و باکت های خشن طوری برخوردمی کند که آدمهای معمولی ناتوانند؛ به واسطه‌ی داشته های کاملاً روحی و قدرت ذهنی اش، این روایت های کاملاً واقعی را در کنار هم قرار داده است! به همین خاطر آدمهای معمولی قهرمانها را دوست دارند چون پیچیده و جذابند و کارهای خارق العاده ای می کنند. نامش در ابتدای راه "بانو" بود و در ادامه "بانو عصمت" لقب گرفت. مستندی که محمد حبیبی منصور ساخته و ثریا قاسمی آن را روایت کرده است. مستند سینمایی "بانو" روایتگر زندگی پر فراز و نشیب عصمت احمدیان، مادر شهیدان ابراهیم و اسماعیل فرجوانی است.

این مستند سینمایی ۸۲ دقیقه‌ای، روایتگر زندگی پر فراز و نشیب بانو "عصمت احمدیان" از زنان تأثیرگذار و موفق اهواز است؛ زنی که خودش و اعضای خانواده او از جمله همسرو سه فرزندش هر کدام به نوعی با جنگ در ارتباطند. زندگی پس از جنگ و فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی خانم احمدیان نیز بخش مهمی از زندگی اوست که در این مستند به آن پرداخته شده است. این مستند در جشنواره سینما حقیقت به نمایش



# بیج دا نشجویی دا نشکاه محقق اردبیلی



ارتباط با ما:

کانال های ارتباطی:

ایнстاستاگرام

@uma\_daghdagheh

ربات تلگرامی (آرشیو شماره های قبلی نشریه)

@umadaghdagheh\_bot